

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره سیزدهم ، شماره چهل و هفتم ، بهار ۱۴۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

صفحات: ۱۰۵ - ۹۱

امکان سنجی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر و روان گردان

نویسنده:

سیروس مراد پور^۱*

چکیده

در نظام حقوقی ایران مجازات اعدام، از مجازات‌های پیش‌بینی شده از سوی قانون‌گذار است. یکی از جرائمی که مجازات برای آن وضع شده است، جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان می‌باشد؛ جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان از دغدغه‌های همیشگی سال‌های اخیر جهان (به دلیل تولید و صدور انبوه) به‌ویژه کشور است. بدین جهت کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلفی در این خصوص به تصویب کشورهای جهان رسیده است. مجازات اعدام، محور بحث مقاله حاضر است. نقش بازدارندگی مجازات اعدام در خصوص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در نظام حقوقی ایران به‌عنوان (یک نظام مبتنی بر فقه و شرع) ماهیت فقهی این مجازات در مورد جرائم یادشده نیز محل بحث است. روش انجام این تحقیق توصیفی است پژوهش حاضر تلاش کرده است که امکان سنجی و ماهیت این مجازات را در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان از بُعد قانونی و شرعی مورد بررسی قرار دهد و از سوی دیگر، اعمال این مجازات در جرائم یادشده چه تأثیری بر بازدارندگی این جرائم در نظام حقوقی ایران دارد. جستار حاضر، با تکیه بر نظریه‌های حقوقی، سیر تاریخی مجازات اعدام به‌طور کلی، طرح استدلال موافقان و مخالفان مجازات اعدام و غیره نشان می‌دهد که نه تنها وجود یا عدم این مجازات در یک سیستم حقوقی، به مسائل و مقتضیات گوناگونی بستگی دارد که از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر قابل تغییر است، بلکه در خصوص بازدارندگی این مجازات هم به‌طور کلی و مطلق نمی‌توان اتخاذ موضع کرد. در نتیجه، برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب باید این مجازات را در سیاق خاص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان دانست.

کلید واژه‌ها: اعدام، مواد مخدر، روان‌گردان، پیشگیری، نظام حقوقی.

۱ - کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، ایران
s.moradpour65@gmail.com

۱-مقدمه

در صورتی که مباشرین و شرکای جرم مواد مخدر برای ایستادگی و مقابله در برابر پلیس از سلاح گرم و یا شکاری استفاده کنند، حکم آنها اعدام خواهد بود. اگر مجرم نقش سردسته و یا سرمایه‌گذار را داشته باشد و برای ارتکاب جرم از افرادی مثل مجانین و یا کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال استفاده نماید، مشمول حکم اعدام خواهد شد. افرادی که به دلیل ارتکاب جرایم موضوع این قانون، بالای پانزده سال حبس داشته باشند و یا سابقه حبس ابد و یا اعدام داشته باشند نیز در این دسته جای می‌گیرند. علاوه بر موارد ذکر شده تغییراتی هم در میزان مواد مخدر حمل یا صادر شده به وجود آمده است که در ادامه به آن می‌پردازیم. همان طور که گفته شد پیش از تصویب قانون جدید برای افرادی که بیش از ۵ کیلوگرم مواد مخدر به همراه داشتند، حکم اعدام در نظر گرفته می‌شد، اما هم اینک این عدد به ۵۰ کیلوگرم رسیده است. هم چنین برای ساخت، نگهداری، اخفا، نقل و انتقال، خرید، فروش، صادرات و واردات روان‌گردان صنعتی غیر داروئی نیز حداقل میزان ۲ تا ۳ کیلوگرم در نظر گرفته شده است. در صورتی که این میزان در گذشته ۳۰ گرم بوده است. اگر چه این قانون با تخفیف و اصلاحاتی همراه بوده است، اما قطعاً برای پیشگیری از این جرم نیاز به زمینه‌سازی اقتصادی و نهادهای پیشگیری‌کننده مناسب خواهد بود. امید است که بتوان با تدابیری درست و به‌جا به صورت اصولی و هدفمند در برابر این دست از جرایم ایستادگی کرد. از بدو تأسیس نخستین تشکل‌های اجتماعی که احتیاج به وجود نظم و ایجاد مقرراتی برای حفظ امنیت و تنظیم روابط اجتماعی احساس شد، ضمانت اجرای مقررات تنظیمی نیز مدنظر بوده است. البته، در جوامع نخستین، عمده تضمین‌ها (مجازات‌ها) با انگیزه‌های متفاوتی از قبیل انتقام‌جویی، اجرای عدالت، سزادهی و یا حمایت از جامعه وضع شده بود که مجازات اعدام همواره در رتبه اول مجازات‌ها قرار داشت. اگر چه با تغییر زمان و مکان، از لحاظ نحوه اجرای این مجازات، روش‌های متفاوتی اعمال می‌شده است. با این حال، تا دهه پیشین، هیچ‌گاه از سیاست کیفری جوامع مختلف بشری حذف نشد. در دهه‌های اخیر، با پیدایش مکاتب مختلف کیفری، مشروعیت مجازات اعدام متزلزل شد. در برخی از کشورها، به‌طور کلی از فهرست مجازات‌ها کنار گذاشته شد بنابراین، در شرایط کنونی، به‌نظر می‌رسد بررسی این موضوع چه از لحاظ سیاست جنایی جرایم مواد مخدر و روان‌گردان و چه از لحاظ اصول حقوق جزا و چه از لحاظ فقهی ضرورت دارد تا

بتوان به نتیجه‌ای علمی و روشن در این مورد رسید که آیا مجازات اعدام در جرائم یادشده می‌تواند نیازهای جامعه کنونی از یک سو و مقتضیات نظام حقوقی معاصر ایران را تأمین کند.

روش تحقیق

مجازات اعدام و بازدارندگی جرائم مواد مخدر و روان گردان

باید در درجه اول، مشکلی را که می‌خواهیم با مجازات اعدام حل کنیم، روشن نماییم. مشکل، عبارت است از قاچاق مواد مخدر که به سلامت و اقتصاد جامعه لطمه وارد می‌کند.

در درجه دوم، دلیل توجیهی توسل به مجازات اعدام باید روشن شود. به‌طور کلی در توجیه وجود مجازات اعدام، دو نظریه اساسی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه استحقاقی و نظریه دوم، نظریه بازدارندگی است. نظریه استحقاقی بر استحقاق فرد به مجازات شدن به خاطر صدمه زدن به جامعه تأکید دارد و میزان مجازات به میزان صدمه وارد شده، قصد عامل و ورود صدمه بستگی دارد.

قانون مبارزه با مواد مخدر چگونه شکل گرفت ؟

شکل‌گیری و تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر به سال ۱۳۷۶ شمسی باز می‌گردد. مجمع تشخیص مصلحت نظام که در راس تصویب این قانون قرار داشت، تصمیم گرفت تا به طور جدی با مجرمین برخورد نماید. اگر چه عده‌ای بر صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر قانون‌گذاری در زمینه مبارزه با مواد مخدر انتقاداتی دارند، اما این قانون از زمان تصویب تاکنون با کمی اصلاحات در حال اجرا می‌باشد. کارشناسان گردش مالی بالای جرایم مربوط به مواد مخدر را از علل اصلی سوق متخلفین به سمت آن می‌دانند. بر اساس گفته‌های رئیس کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام، گردش مالی این‌گونه جرایم بالغ بر ۱۱۰ میلیارد تومان در روز برآورد شده است. قطعاً سود مالی بالای این دست از جرایم، سران مملکت را بر آن داشت تا با برخوردی قاطعانه و جدی سعی بر جلوگیری از پیشروی مجرمین در این عرصه داشته باشند.

جرایم مربوط به مبارزه با مواد مخدر

در ادامه با اقداماتی که بر اساس قانون اعمال مجرمانه شناخته شده‌اند، آشنا خواهید شد. بر اساس قانون کشت موادی از قبیل خشخاش و کوکا مطلقاً ممنوع می باشد و در صورت این اقدام قانون با متخلفین برخورد جدی خواهد کرد. کشت شاهدانه و روان‌گردان‌های صنعتی نیز جرم محسوب می شود. به طور کلی واردات، صادرات و ساخت و تولید هرگونه مواد مخدر و روان‌گردان‌های صنعتی تخلف محسوب شده و طبق قانون با مجرمین برخورد می‌شود. نگهداری، نقل و انتقال، مخفی کردن و فروش موادمخدر و روانگردان‌های صنعتی غیردارویی نیز با برخورد جدی قانون همراه است. با افرادی که اماکنی را برای استعمال موادمخدر و یا روان‌گردان برای دیگران مهیا کرده باشند، به صورت قانونی برخورد خواهد شد. مصرف کنندگان موادمخدر و روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ مگر برای افرادی خاص که قانون برای آنها استثنا قائل شده باشد. ساخت، خرید، فروش و نگهداری ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر و روان‌گردان نیز جرم محسوب می شود. اخفا و پناه دادن به متهمین این عرصه نیز تخلفی قانونی به حساب می آید.

آشنایی با مواد مخدر و روان‌گردان‌های صنعتی

همان‌طور که بیان شد قوانین و جرایم مربوط به موادمخدر و روان‌گردان صنعتی غیر دارویی بسیار گسترده است. در ادامه نام مواد مخدر رایج و روان‌گردان‌های صنعتی آورده شده است. بنگ، گراس، تریاک سوخته، شیر، چرس، تفاله تریاک، این دسته از مواد مخدر به نسبت روان‌گردان‌های صنعتی از مجازات پایین‌تری برخوردار هستند. روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی شامل: هروئین، کوکائین، مرفین، شیشه، اکستاسی می‌باشد.

حمل مواد مخدر چه مجازاتی دارد

برای حمل و نقل و انتقال موادمخدر مجازات‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است که در ادامه به بیان ماده ۴ از قانون مواد مخدر می‌پردازیم. بر اساس این مصوبه برای افرادی که ۱ الی ۵۰ گرم از مواد مخدری مثل بنگ، گراس، تریاک، شیر، سوخته و را به‌همراه داشته باشد، حداکثر ۶ میلیون ریال جریمه نقدی و حداکثر ۵۰ ضربه شلاق در نظر گرفته می‌شود برای افرادی که از ۵۰ تا ۵۰۰ گرم مواد مخدر به همراه داشته باشند، مجازات بیشتری در

نظر گرفته می‌شود. ۶۰ تا ۱۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی و ۲۰ الی ۷۴ ضربه شلاق از برخورد قانون با این گونه از افراد است. بر طبق قانون در صورت لزوم برای برخی از مجرمین حداکثر ۳ سال حبس در نظر گرفته می‌شود. قانون ۵۰ الی ۲۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی به همراه ۳ الی ۱۵ سال حبس در زندان و ۵۰ تا ۷۴ ضربه شلاق نیز برای مجرمانی که موادمخدری مابین ۵۰۰ گرم تا ۵ کیلوگرم به همراه داشته باشند، در نظر گرفته شده است. در نهایت برای مجرمانی که بیش از ۵ کیلوگرم مواد مخدر همراه داشته باشند، مجازات اعدام و مصادره همان اموال ناشی از جرم در نظر گرفته شده است.

انتقادهای موجود در مورد مجازت مربوط به مبارزه با مواد مخدر

بر اساس گفته های رئیس کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر اگر چه برای مقابله و مبارزه با مواد مخدر مجازات سنگین و جدی در نظر گرفته شده است، اما گردش مالی بالای این دست از کارها مجرمان را برای فعالیت در این حوزه ترغیب می‌کند. متأسفانه بر طبق گفته‌های ستاد حقوق بشر سابق قوه قضائیه بالغ بر ۹۳ درصد از اعدام‌هایی که در سال صورت می‌گیرد به حوزه مبارزه با مواد مخدر تعلق دارد که این آمار بسیار عجیب و تکان‌دهنده است. اگرچه غالب مرتکبان جرم از قانون‌های موجود در عرصه مبارزه با موادمخدر با خبر بوده‌اند، اما اکثراً وضعیت نامطلوب اقتصادی آنان را بر آن داشته است تا به‌منظور ارتقای وضع معیشتی خود دست به ارتکاب این دسته از جرم‌ها بزنند که متأسفانه در خیلی از مواقع به اشد مجازات محکوم شده‌اند. تعداد بالای اعدام‌های حوزه مبارزه با موادمخدر موجب بلندشدن صدای اعتراض منتقدان شد. آنان بر این باور بودند که این‌گونه قوانین هیچ تاثیری در بهبود اوضاع نخواهد داشت. در طی این اعتراضات و انتقادات شدید، موضوع اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۴ شمسی در مجلس شورای اسلامی مطرح شد. مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر بر این باور بودند که هرگونه تغییر و اصلاح در این قوانین منجر به رواج بیشتر مصرف مواد مخدر در بین افراد جامعه می‌شود و به رونق آن کمک می‌کند.

حکم مصرف قرص های روانگردان و مواد مخدر

در این رابطه به موجب دو اصل نمی‌توان حکم صریح را اعمال کرد. اولین اصل این است که تنها اعمالی که به طور صریح در شرع و قانون حرام اعلام شده‌اند مشمول مجازات

هستند. مطابق با قاعده قبح عقاب بلا بیان فعلی که جرم بودن آن تصریح نگردیده و مجازاتی برای آن تعیین نگردیده است مورد مجازات قرار نمی‌گیرد. اصل دوم تفسیر به نفع متهم است که در موارد شک نسبت به جرم بودن فعل صورت گرفته، حکم به عدم اجرای حد صادر می‌شود.

اعتیاد به مواد مخدر و ایراد ضرر به دیگران

مطابق این دیدگاه، معتاد به مواد مخدر با عمل خود به دیگران ضرر می‌زند و این دلیل موجهی است برای اینکه با اعتیاد برخورد سرکوب‌گرانه و کیفری داشته باشیم. در این دیدگاه گفته می‌شود که خانواده معتاد از بزه‌دیدگان مستقیم هستند. طرفداران این نظر معتقدند به سختی می‌توان این سخن را پذیرفت که در این جرم بزه‌دیده‌ای وجود نداشته باشد، زیرا علی‌رغم اینکه تعریف بزه‌دیده کسی است که مستقیماً از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است، لکن در بسیاری از موارد، بزه‌دیدگان دیگری هم وجود دارند. از نظر برخی محققان، بزه‌دیدگان مستقیم اعتیاد، در وهله نخست شخص معتاد و در درجه دوم خانواده او هستند. کشور در تمام ابعاد اقتصادی و فرهنگی و امنیتی خود و در محدوده‌های وسیع‌تر، بشریت و همه آرمان‌های عالی بزه‌دیده غیرمستقیم خواهند بود (توجهی، ۱۳۷۹: ۳۱۸). همچنین در این زمینه گفته می‌شود مصرف‌کننده مواد مخدر و مبتلابه اعتیاد وقتی نتواند از خانواده‌ی خود مراقبت کند و مخارج آنها را بپردازد، جامعه با بر عهده گرفتن حمایت این اشخاص متحمل هزینه و ضرر خواهد شد. ضمن اینکه فرد برای حفظ سلامت خود (که به واسطه مصرف مواد، به خطر می‌افتد از خدمات گران‌قیمت پزشکی استفاده می‌کند. خدماتی که متعلق به جامعه است و می‌تواند در جایی دیگر مورد استفاده عموم قرار گیرد (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۳۰). از نگاهی دیگر، خسارت در مفهوم کلی اعم است از خسارات مادی، معنوی، جسمانی و منافع فوت شده. خسارت معنوی، بخش وسیعی از مفاهیم و مصادیق را در برمی‌گیرد که عبارت از ضررهای وارده به آبرو، شهرت، احساسات و عواطف و علایق اخلاقی و خانوادگی است (آشوری، ۱۳۸۴: ۲۵۷-۲۶۱). فرد معتاد علی‌رغم اینکه به حسب ظاهر مصرف‌کننده مواد مخدر است و به جسم و جان خود آسیب می‌زند، تأثیرات منفی و صدمات بسیاری نیز به خانواده و بستگان مرتبط وارد می‌کند. در این خصوص حتی برخی از لیبرال‌ها نیز این جرم را از دریچه ضرر به دیگران توجیه می‌کنند و معتقدند معتاد به مواد مخدر همچون باری بر

دوش دیگران تحمیل می‌شود. احساسات اخلاقی جامعه نیز صرف‌نظر از رفتارهای مجرمانه یا غیراخلاقی که یک معتاد در اثر اعتیاد ممکن است انجام دهد، با دیدن معتاد یا مصرف مواد توسط او جریحه دار خواهد شد.

نظریه بازدارندگی، مجازات اعدام

این نظریه نه فقط مرتکب را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، بلکه دیگران نیز با گرفتن درس عبرت از ارتکاب جرم مستوجب اعدام، خودداری می‌کنند. به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد که اعدام، بازدارندگی فردی ندارد چون صحبت از بازدارندگی فردی، جایی است که فرد در جامعه حضور داشته باشد و به‌لحاظ اثربخشی مجازات از تکرار جرم بپرهیزد؛ درحالی‌که با اعدام فرد از جامعه حذف می‌شود و ارتکاب جرم به‌وسیله وی منتفی است.

پس از انقلاب اسلامی، هنوز قانون سال ۱۳۴۸ اجرایی بود تا این‌که در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۵۹، لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی، به‌منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان، توسط شورای انقلاب به تصویب رسید که اولین قانون در خصوص تعیین مجازات برای جرائم مواد مخدر پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی است. از مشخصه‌های این قانون، یکی این است که برای نخستین‌بار حشیش و ترکیبات دیگر آن، از قبیل بنگ و بنگاب و چرس و مانند آن‌ها، در ردیف مواد افیونی (یعنی تریاک، سوخته و شیره تریاک) قرار گرفت؛ دیگر اینکه مجازات و تنبیه بدنی برای جرائم مواد مخدر پیش‌بینی شد. مواد افیونی، مورفین و هروئین از مواد مخدر صنعتی و کوکائین و غیره تفکیک شد و برای هریک ماده جداگانه‌ای وضع و مجازات اعدام نیز ابقا شد.

از سیاق تنظیم آن معلوم است که این قانون به تبعیت از قانون ۱۳۴۸ و نظر به فضای اوایل انقلاب و وجود ذهنیت منفی شدید در مردم و مسئولان به‌لحاظ ملموس بودن آثار سوء مواد مخدر در سطح وسیعی از جامعه و پراکنده‌شدن معتادان و لگرد تنظیم شده اعضای شورای انقلاب را بر آن داشته است تا نسبت به قانون قبلی، شدت و حدت بیشتری به‌خرج دهند. برای نمونه، در ماده ۷ قانون، مجازات اعدام برای سازنده، فروشنده و واردکننده و در معرض فروش قراردهنده هروئین، مورفین، کوکائین و غیره مقرر شد و برای نگه‌دارنده، حمل‌کننده و مخفی‌کننده بیش از ۵ گرم از مواد مخدر نیز، مجازات اعدام

پیش‌بینی شد که در حقیقت، میزان مواد نسبت به قانون قبلی، ۵۰ درصد کاهش یافت، ولی مجازات تشدید شد. هرچند به‌علت دسترسی‌نداشتن به مشروح مذاکرات شورای انقلاب، علت دقیق تشدید مجازات اعدام در این قانون روشن نیست، ولی تا سال ۱۳۶۷، امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر، گاهی با شدت و در برخی مواقع نیز به‌طور عادی و روزمره ادامه داشت و بدون توجه به ابعاد مختلف، مبارزه به‌صورت متمرکز بود و مسئولیت قضیه تنها به‌عهده قضات و مأموران دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی و مأموران کمیته انقلاب اسلامی وقت بود. تا این‌که در سال ۱۳۶۷، قانون مبارزه با مواد مخدر در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شد. از نکات بارز این قانون، ماده ۳۳ آن است که برای اولین بار به امر مبارزه با مواد مخدر با دید وسیعی نگریده و نشان می‌دهد که مسئولان وقت دریافتند که صرف دستگیری مجرمان مواد مخدر و اعزام آن‌ها به مراجع قضایی و صدور احکامی مانند اعدام و یا حبس و اخذ جریمه‌های سنگین و شلاق، کارساز نبوده و چاره کار نیست و این مطلب در اذهان قوت گرفت که تا عزمی جدی و اراده‌ای ملی و همه‌جانبه در کار نباشد، از بین رفتن جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، رویایی بیش نیست. بنابراین، بر طبق ماده ۳۳، امر مبارزه با مواد مخدر به ستادی محول شد که ریاست آن به بالاترین مسئول وقت قوه مجریه، یعنی نخست‌وزیر واگذار شد. لازم به ذکر است که اعضای ستاد را مقامات ارشد قضایی، انتظامی، اطلاعاتی، اطلاع‌رسانی، فرهنگی و بهداشتی تشکیل می‌دادند.

اصولاً در هر امری، وقتی ستاد تشکیل می‌شود که انجام آن امر از عهده یک یا دو نهاد یا سازمان خارج باشد. در نتیجه، وجود تشکیلاتی جهت هماهنگی و تقسیم مسئولیت و واگذاری هر یک از آن‌ها به نهاد مربوطه احساس می‌شود و نهادهایی به‌عنوان اعضای ستاد در نظر گرفته می‌شوند که هرکدام بتوانند متناسب با امکانات و مأموریت‌های سازمانی، قسمتی از سنگینی امر خطیر مبارزه با مواد مخدر را عهده‌دار شوند. در این ستاد مسئولان اصلی فرهنگی کشور، از قبیل وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان صداوسیما، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج و سرپرست سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، در آن حضور دارند.

قانون سال ۱۳۶۷ و موارد پیش‌بینی شده مجازات اعدام

از جمله در بند ۴ ماده ۲ که بیان می‌دارد: «هرکس مبادرت به کشت خشخاش کند و یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاه‌دانه بپردازد علاوه بر امحای کشت در هر بار، بر حسب

میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: «... بند ۴ - بار چهارم، اعدام». در بند ۴ از ماده ۵ نیز مقرر می‌دارد: «هرکس بنگ، چرس، تریاک، شیره و سوخته تریاک را وارد کشور و یا صادر کند یا تولید و توزیع و یا خرید و فروش کند و در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب با توجه به مقدار مواد مخدر به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

«... ۴- بیش از ۵ کیلوگرم اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم». همچنین، قسمت اخیر ماده ۶ مبنی بر این که اگر کسی جرم نگهداری و حمل و یا مخفی کردن تریاک و سایر مواردی که احصاء شد را تکرار کند یا مرتکب جرائم بندهای ۱، ۲، ۳ از ماده ۴ شود و مجموع موارد یادشده به بیش از ۵ کیلوگرم برسد، در حکم مفسد فی الارض قلمداد شده و مجازات اعدام در مورد وی اعمال می‌شود. علاوه بر افزایش انواع مجازات‌های نقدی، مجازات اعدام در برخی مواقع با تحدید اختیارات قاضی شدت یافت؛ از جمله، مجازات اعدام مقرر در بند ۴ ماده ۴ قانون مصوب ۱۳۶۷ که عیناً در قانون پس از آن ابقا شد، با این تفاوت که در بند ۵ ماده ۴ قانون ۱۳۶۷، آمده بود که هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌ها هم نشده باشد، دادگاه وی را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به جز هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده‌اش محکوم می‌کند. درحالی‌که در اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، همان بند به تبصره تبدیل شده و مقرر نموده که هرگاه مقدار مواد مکشوفه بیست کیلوگرم یا کمتر باشد، مجازات مقرر، حبس ابد و مصادره اموال است و در مقادیر بالای بیست کیلوگرم، مرتکبان تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند. متن تبصره چنین است:

«هرگاه محرز شود مرتکبان جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌ها هم نشده و مواد بیست کیلوگرم یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط یادشده، آن‌ها را به حبس ابد و هفتاد ضربه شلاق و مصادره اموال به جز هزینه زندگی متعارف برای خانواده آن‌ها محکوم می‌کند. در مقادیر بالای بیست کیلوگرم، مرتکبان تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند».

چنانچه ملاحظه می‌شود، اختیارات قاضی در عدم صدور حکم اعدام محدود شده و در صورتی که میزان مواد، بیش از بیست کیلوگرم باشد، قاضی ناچار به صدور حکم اعدام است.

رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات اعدام

در سال‌های اخیر، از خود نرمش بیشتری نشان داده است. برای مثال، از بین ۱۲۵ هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که مورد بررسی قرار گرفته است، ۲۰۰۰ فقره آن، مربوط به صدور حکم اعدام برای متهمان بوده است و این تعداد، فقط ۹ درصد پرونده‌ها را تشکیل داده‌اند. ولی از این تعداد، فقط حکم اعدام ۱۲ درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان، یا مشمول عفو شده و یا به دلیل واقع‌بینی دیوان عالی کشور، نقض شده‌اند (کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر، بی‌تا) که شاید بتوان این موضوع را دلیل آن دانست که دیوان عالی کشور به بی‌فایده بودن مجازات اعدام پی برده است. نقض احکام اعدام به وسیله دیوان عالی کشور، نشان‌دهنده عدم همگامی سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی است؛ برای مثال، در سال ۱۳۷۸ از بین ۱۵ هزار و ۸۶۹ حکم اعدام افراد مستحق اعدام طبق «مصوبه مبارزه با مواد مخدر»، فقط ۱ هزار و ۷۲۵ مورد، منجر به صدور حکم اعدام شده و از این میان، فقط ۴۰۴ مورد آن به تایید دیوان عالی کشور رسیده و از بین موارد تایید شده نیز فقط ۲۲۴ مورد آن اجرا شده است. در سال ۱۳۷۹ از بین ۱۳ هزار و ۲۵۲ مستحق مجازات اعدام، فقط ۲ هزار و ۳۹۰ مورد حکم اعدام صادر شده و از بین موارد یادشده، فقط حکم اعدام ۴۰۳ نفر تایید و از بین موارد تایید شده نیز فقط ۲۲۶ مورد آن، اجرا شده است. در واقع سیاست جنایی قضایی می‌خواهد ایراد قانون را (در پیش‌بینی مجازات اعدام و آن هم در حد وسیعی) به متولیان سیاست جنایی تقنینی گوشزد کند که اعمال مجازات اعدام، کارساز نبوده و نیست و این رسالتی است که سیاست جنایی قضایی با هدایت قانون‌گذار در پیش گرفتن سیاست جنایی تقنینی بر عهده دارد و آن را نیز با کمال کیفیت انجام می‌دهد. درخواست عفو محکومان به اعدام نیز از دو جهت قابل بررسی است: یک جهت، آن است که در صورت عدم امکان نقض حکم اعدام از طرف دیوان عالی کشور به دلیل کامل بودن دلایل توجه اتهام به متهم، دادگاه‌ها با توسل به سازوکار مندرج در ماده ۳۸ مصوبه (در مورد تقاضای عفو) سعی کنند نارسائی قانون در توسل به آخرین مرحله اعمال خشونت را جبران کنند.

جهت دوم، آن است که حکومت بخواهد به این طریق اعلام کند که موافقت با عفو، امتیازی است که به افراد داده می‌شود، وگرنه دلیلی ندارد که در قانون مجازات، اعدام

پیش‌بینی شود و در عمل به دنبال راهی برای فرار از آن باشد. این نحوه فرار از اجرای مجازات اعدام را به چیزی جز بی‌فایده بودن پیش‌بینی آن در قانون نمی‌توان تعبیر کرد.

برای روشن شدن مطلب، نمونه‌های عملی این امر، در ادامه بیان می‌شود تا تردیدی در صحت مطالب یادشده ایجاد نشود. برای مثال، «از بررسی ۱۰ مورد پرونده‌ای که موضوع آن‌ها، براساس قانون (چه از حیث مقادیر تریاک کشف شده و چه از حیث ادله به‌دست آمده و چه از حیث اقرار صریح متهمان) مشمول حکم اعدام قرار گرفته بودند، نتایج زیر به‌دست آمده است:

تنها در سه مورد، بدو حکم اعدام صادر شده بود، در یک مورد قاضی پس از صدور حکم اعدام با اشاره به همکاری متهم برای دستگیری سایر متهمان دو درجه تخفیف داده بود و این مسئله مورد موافقت دادستان کل کشور مبنی بر یک درجه تخفیف از طریق کمیسیون عفو قرار گرفته بود. در دومین مورد با توجه به این که مواد مخدر کشف شده به فروش نرفته بود و قاضی بدون استعلام از سابقه، حسب اقرار متهم به داشتن سابقه محکومیت در مورد قاچاق مواد مخدر، وی را به اعدام محکوم کرده بود، حکم یادشده توسط دادستان کل با این استدلال که وجود شبهه در تاریخ سابقه کیفری و لزوم احتیاط در دماء مستلزم رسیدگی دقیق است، حکم را نقض کرده بود. در مورد سوم که معامله با عامل نفوذی مقامات قضایی برای به‌دام انداختن متهمان صورت پذیرفته بود، دادستان کل با این استدلال که در خصوص مورد، اعدام خلاف احتیاط در دماء است، رای را نقض کرده و درخواست رسیدگی مجدد کرده بود. در چهار پرونده دیگر، که نگارنده در روند دادرسی آن حضور داشته، مشاهده شده است که قضات، از ابتدا سعی کرده بودند به هر طریق ممکن محتویات پرونده را با تبصره بند ۴ ماده ۴ منطبق نموده و حکم اعدام را به حبس ابد، مصادره اموال و ۷۴ ضربه شلاق تبدیل کنند و در سه مورد نیز حکم اعدام با استناد به جهات تخفیف مجازات به حبس ابد و مصادره تبدیل شده بود؛ ولی حکم بدوی صادره، گاه با این استدلال که طبق اقرار متهمان یا گزارش نیروی انتظامی مقداری از مواد مخدر به فروش رفته و یا متهم سابقه محکومیت کیفری مؤثر دارد و گاه با این مبنا که حکم اعدام حد است و از احکام سلطانی و حکومتی است و نه احکام تعزیری، قاضی حق دارد در صورت مشاهده جهات تخفیف مجازات، پیشنهاد عفو و تخفیف دهد، از سوی دادستانی کل کشور و دیوان عالی کشور برای صدور حکم اعدام یا با قید لزوم درخواست قاضی برای تخفیف نقض شده بود.

در عین حال، در تمام ۱۰ مورد پرونده‌هایی که حسب مقادیر کشف شده هروئین و اقرارهای متهمان، به صورت قانونی مشمول حکم اعدام موضوع ماده ۸ قرار گرفته بودند، قضات با تطبیق شرایط پرونده بر تبصره ۱ بند ۶ ماده ۸، از صدور حکم اعدام خودداری کرده و آن را تبدیل به حبس ابد، مصادره اموال و ۸۴ ضربه شلاق کرده بودند که در ۹ مورد از آن‌ها، پرونده از این حیث تایید شده بود ولی از جهت موارد دیگری نظیر عدم مداخله وکیل در پرونده یا اعمال همزمان تخفیف و تبدیل در پرونده در خصوص مجازات مصادره اموال و شلاق نقض شده بود که البته تأثیری در مجازات صادر شده نداشت. با تعمیم نتایج آماری حاصل از ۲۰۰۰ پرونده، نمونه‌ای که مشمول مجازات اعدام بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش قضات دادگاه انقلاب به سمت کمتر کردن موارد اجرای مجازات اعدام، محدود کردن دایره شمول این حکم در پرونده‌ها و اعمال موسع اختیارات قانونی ناشی از تخفیف مندرج در «قانون مجازات اسلامی» و تبصره‌های مواد ۸ و ۴ «مصوبه مبارزه با مواد مخدر» است.

بنابراین در ۷۰ درصد پرونده‌های مربوط به قاچاق تریاک و ۹۰ درصد پرونده‌های مربوط به قاچاق هروئین که در فاصله سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۷ در دادگاه انقلاب اسلامی تهران مطرح شده‌اند، حکم اعدام و مصادره اموال به جهت و دلایل مختلف به حبس ابد، مصادره اموال و ۷۴ ضربه شلاق تبدیل شده است و در عین حال، در مرحله تجدید نظر دادستان کل کشور و رئیس دیوان عالی کشور، از ۳۰ درصد احکام بدوی اعدام در پرونده‌های قاچاق تریاک، ۲۰ درصد به جهت احتیاط دماء و ۱۰ درصد به جهت وجود دلایل و جهات تخفیف تا یک درجه (حبس ابد) نقض شده است و در مورد ۷۰ درصد مابقی، باید گفت که در کنار استدلال دیوان عالی کشور مبنی بر حد بودن مجازات اعدام و امکان اعمال تخفیف از طریق کمیسیون عفو، ۴۰ درصد پرونده‌ها برای درخواست تخفیف به کمیسیون عفو فرستاده شده است. ۱۰ درصد به جهت رعایت نکردن مقررات شکلی (نظیر عدم مداخله وکیل در امر دادرسی) و ۲۰ درصد به جهت عدم امکان استناد به ماده تخفیف در «قانون مجازات اسلامی» نقض شده و مشمول حکم اعدام شده است. در مرحله تجدید نظر در پرونده‌های مربوط به قاچاق هروئین نیز همه ۱۰ درصد آراء صادره مبنی بر اعدام، مورد تنفیذ رئیس دیوان عالی کشور قرار گرفته است و در ۹۰ درصد دیگر پرونده‌ها که مجازات اعدام آن‌ها، در مرحله رسیدگی به حبس ابد تبدیل شده است، هیچ‌گونه اعتراضی به صدور حکم حبس ابد به جای اعدام نشده است و حکم، عیناً توسط رئیس دیوان عالی کشور تایید شده است»

قناد، ۱۳۷۹). ملاحظه می‌شود که سیاست جنایی قضایی چقدر با سیاست جنایی تقنینی فاصله دارد و قضات سعی می‌کنند به هر نحو ممکن، راهی برای فرار از اجرای مجازات بسیار سنگین اعدام پیدا کنند. تبعیت نکردن سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معناست که قانون‌گذار در وضع قانون، به بی‌راهه رفته است. اگر قانون‌گذار در یک اتاق شیشه‌ای و بدون توجه به واقعیات جامعه اقدام به تصویب قانون کند و تنها با وضع مجازات بسیار سنگین و بدون توجه به علل و فقط با توجه به معلول‌ها، قانون‌گذاری کند و خیال کند که با اعدام چند نفر قاچاقچی که خودشان معلول به‌شمار می‌آیند و نه علت، می‌تواند به حل مشکل بپردازد، راه اشتباهی را انتخاب کرده است. در عوض برخی از قضات به‌لحاظ مشاهده عینی وقایع اجتماعی و امکان درک درست‌تر و بهتر از این وقایع، راه اعمال سرکوب‌گرانه قانون‌گذار را سد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج پژوهش حاضری توان به موارد پیش‌رو در خصوص جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان اشاره نمود یکی از معضلات جامعه جهانی و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه است. اهمیت این موضوع زمانی افزایش می‌یابد که به این نکته توجه داشته باشیم که کشور ما، هم‌جوار کشوری است که تولیدکننده انبوه این مواد است.

۱- نظام حقوقی ما که یک نظام مبتنی بر شریعت اسلامی است، بحث از فقهی یا غیرفقهی بودن این مجازات در خصوص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان نیز مطرح است. از سوی دیگر، از آنجا که اگر ثابت می‌شود، مجازات اعدام در جرائم یادشده در زمره مجازات‌هایی است که از سوی شرع معین شده و به تعبیر دیگر از تعزیرات شرعی محسوب می‌شود.

۲- از آنجا که افساد فی‌الارض و محاربه، دو جرم جداگانه محسوب نمی‌شوند، مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان را نمی‌توان از تعزیرات شرعی شمرد و بر آن اساس، می‌توان آن را در مواردی تعدیل کرد و یا حداقل شرایطی را ایجاد نمود که این مجازات، از بازدارندگی لازم برخوردار شود. از آنجا که با نتیجه‌گیری یادشده، بحث بر سر بازدارندگی مجازات اعدام در جرائم مزبور گشوده شد، در ادامه به بازدارندگی این مجازات در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان به‌خصوص در دستگاه قضایی ایران پرداخته شد.

۳- مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان با شیوه‌ای که اکنون در حال اجراست، از بازدارندگی لازم برخوردار نبوده و از آن‌جا که این مورد (وجود مجازات اعدام در جرائم یادشده)، به‌وضوح در چشم قضا و دستگاه قضا ناعادلانه جلوه کرده و سودی در آن دیده نشده است، سیاست جنایی قضایی ایران، همیشه از هر راهی که امکان تعدیل این موضوع وجود داشته، وارد عمل شده تا سیاست جنایی تقنینی را در این خصوص با واقعیات اجتماعی وفق دهد.

۴- یکی از مهم‌ترین دلایل عدم بازدارندگی مجازات یادشده، این است که این مجازات در محیط زندان و دور از اِصْبارِ عمومی و مردم صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، در مواردی که قانون‌گذار، قصد اعمال این مجازات را دارد، باید حداقل آن را به‌گونه‌ای عملی کرد که بازدارنده باشد، نه این‌که فقط به حذف مجرم همت گماشت و این امر میسر نمی‌شود، مگر این‌که اعمال مجازات یادشده در مکانی برگزار شود که چشم عبرت‌بینی نیز در آن‌جا وجود دارد.

۵- رویکرد جدید قانون‌گذار نیز به‌طورکلی، مؤید نتیجه حاصل از این تحقیق است، بدین ترتیب که، قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ شمسی، که در ماده ۱۹، مجازات‌های تعزیری را مورد شمارش قرار داده و آن‌ها را به ۸ درجه تقسیم نموده است، نامی از مجازات اعدام نمی‌آورد و سنگین‌ترین مجازات آن که به‌عنوان درجه ۱ شناخته می‌شود، حبس بیش از ۲۵ سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی است. بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار نیز در شیوه کنونی اجرای اعدام، سودی ندیده است و به‌دنبال بازسازی و تعدیل این مجازات است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد، از یک‌سو، مجازات اعدام با شیوه اجرای کنونی آن، در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان از بازدارندگی لازم برخوردار نیست.

منابع

- ۱- اداره کل حقوقی، امور قوانین و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر، کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر.
- ۲- اداره کل آمار و رایانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، گزارش آماری سال ۱۳۹۹؛ ۱۹ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی.
- ۳- اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۸۹/۵/۹.
- ۴- امیرعلایی، شمس‌الدین. (۱۳۵۷). مجازات اعدام، تهران: انتشارات دهخدا.
- ۵- آنسل، مارک (۱۳۶۵). مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات آگاه.
- ۶- درگاهی، حسین و همکاران (۱۳۸۹). اعتیاد، مواد مخدر و سوء مصرف مواد و نظام‌های اطلاعات، تهران: انتشارات آوای دانش‌گستر.
- ۷- ذبحی، حسین (۱۳۹۲). شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- ۸- رحمدل، منصور (۱۳۸۲). مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران، انگلستان و ولز در قبال قاچاق مواد مخدر، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- ۹- رحمدل، منصور (۱۳۸۵). تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱، ۱۴۹-۱۶۵.
- ۱۰- رندی، مه‌لینگ (۱۳۸۹). مجموعه حقایق آشکار از مواد مخدر، حشیش (ماری جوانا، علف، بنگ)، ترجمه دکتر سیدمهرداد مظفر و نازیلا رستمی، تهران: نشر آبژ.
- ۱۱- طاهری، طه (۱۳۹۳). قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر،
- ۱۲- قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲ شمسی.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۴- گسن، ریموند (۱۳۶۵). گرایش‌های نو در جرم‌شناسی انگلستان و آمریکای شمالی، ترجمه علی‌حسین نجفی‌ابرندآبادی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۵- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه قضایی دادگستری استان قم. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مجازات اعدام.
- ۱۶- هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمود. (۱۳۷۸). بایسته‌های فقه جزا، تهران: نشر میزان.